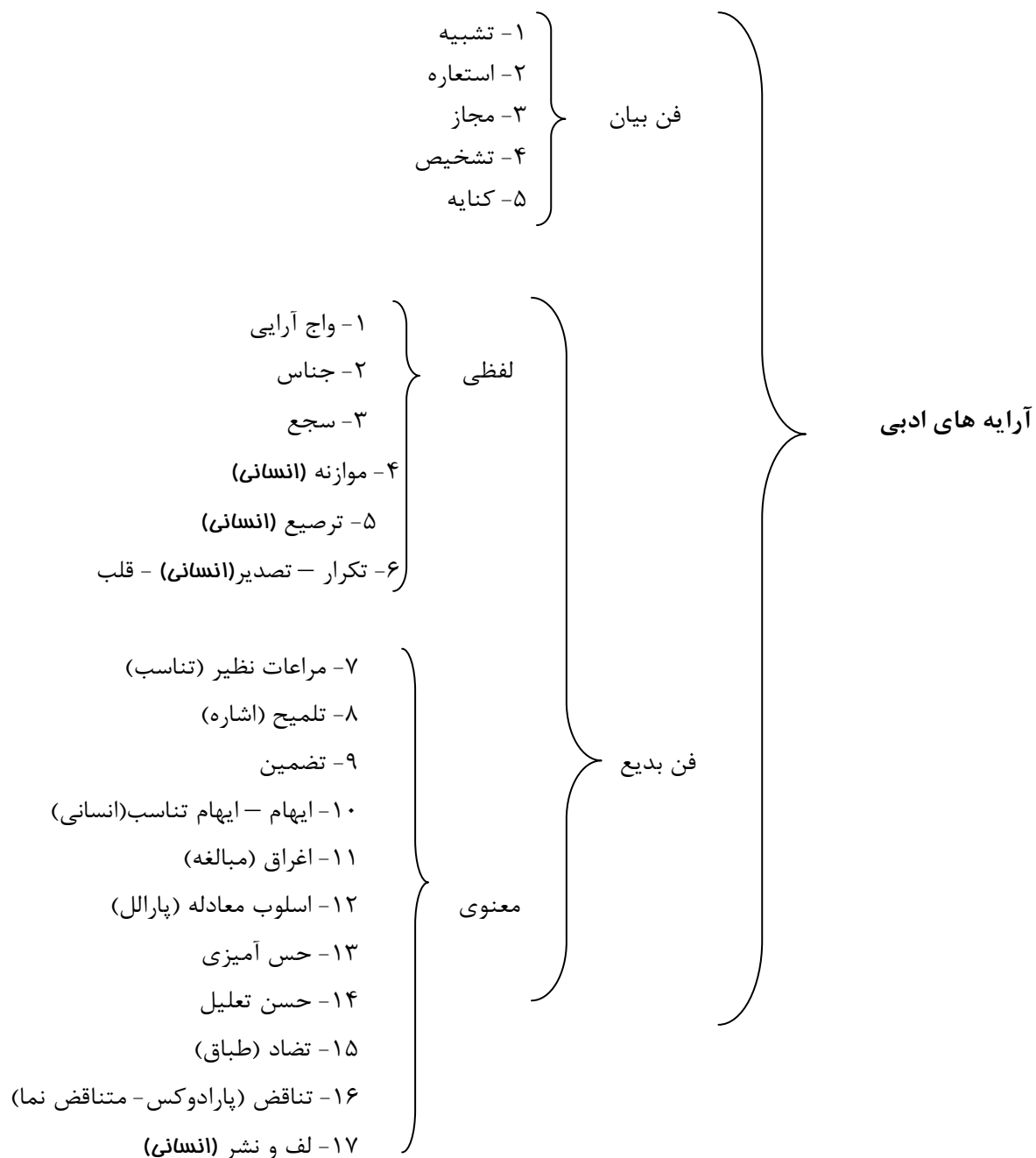


هر آنچه که از

آرایه های ادبی

نیاز دارید!!!

نمودار آرایه های ادبی



۱- تشبیه:

تشبیه آن است که کسی یا چیزی را در صفتی به کس یا چیز دیگری مانند کنیم.

هر تشبیه دارای ۴ رکن است که ارکان آن عبارتند از:

۱- **مشبه** (اسمی که تشبیه شده است)

۲- **مشبه به** (اسمی که مشبه در صفتی به آن تشبیه شده است)

۳- **وجه شبه** (ویژگی مشترک دو اسم یا به عبارت دیگر علت تشبیه مشبه و مشبه به)

۴- **ادات تشبیه** (وسیله و ابزار تشبیه را گویند که رابطه تشبیه را برقرار می کند)

مثال: رضا چون کوه استوار بود (۱- رضا مشبه، ۲- کوه: مشبه به ۳- چون: ادات تشبیه ۴- استواری: وجه شبه)

تشبیهی که دارای ادات تشبیه است را **تشبیه عادی** یا **ساده** می گویند و اگر هر ۴ رکن وجود داشته باشد آن تشبیه را **تام** می نامند

۷ **نوعی از تشبیه که ادات آن حذف شود تشبیه بلیغ نام دارد که دو گونه است:**

۱- **اسنادی:** که "مشبه" به "مشبه به" اسناد داده می شود و شکل آن عموماً بصورت روبرو است: ----- ^ ----- **فعل اسنادی**

مانند: علم نور است، تو لاله بهاری

۲- **اضافی:** که آن را **اضافه تشبیهی** می خوانند و معمولاً بدین صورت است: **مشبه به + + مشبه** مانند: صدق امانت

چند مثال دیگر: آتش عشق (عشق به آتش تشبیه شده) - بنای ظلم (ظلم به بنا تشبیه شده) - گنج معرفت - بار امانت - ملک قناعت - طومار عشق - دریای غم و

نکته شکلاتی: سه نوع ادات تشبیه وجود دارد: ۱- از نوع **حرف** (چون، مثل، مانند، نظیر و ...) ، ۲- از نوع **پسوندها** (وار، وش، انه، سا و ...) ۳- از نوع **فعل** (شبه است، مانست)

نکته (۲): وجه شبه از ویژگیهای بارز مشبه به است که صفت مشترک بین مشبه و مشبه به هم شمرده می شود.

تشبیه مرکب (انسانی): در این نوع تشبیه هیئتی به هیئت دیگر تشبیه می شود و در آن وجه شبه از چند چیز که با هم آمیخته اند

گرفته می شود. به عبارت دیگر در عمده تشبیهات مرکب وجود چیزی در جایی به وجود چیزی در جای دیگر در مقیاس تمثیل تشبیه می شود. مانند: عرق بر ورق روی نگارین به چه ماند؟ همچو بر خرمن گل، قطره باران بهاری

در تمرین های زیر تشبیه ها را بیابید:

۱- دست از مس وجود چو مردان حق بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

۲- جمالش باد دائم عالم افروز / شبش، موج باد و روز، نوروز

۳- شبگیر غم بود و شبیخون بلا بود / هر روز عاشورا و هر جا کربلا بود

۴- بیار ای باد نوروزی نسیم باغ پیروزی / که بوی عنبر آمیزش به بوی یار ما ماند

۵- آتش عشق در دل حافظ زد و سوخت / یار دیرینه ببینید که با یار چه کرد؟

۶- آن قطره باران که برافتد به گل سرخ / چون اشک عروسی است برافتاده به (فسار)

۷- زلف مشکین تو در گلشن فردوس عذار / چیست؟ طاووس که در باغ نعیم افتادست

۲- استعاره:

استعاره در لغت یعنی عاریت خواستن و در اصطلاح ادبی یعنی لفظی را به معنی عاریتی بکار بردن. از دید دیگر می‌توان گفت استعاره همان تشبیه است که یک طرف آن (مشبه یا مشبه‌به) ذکر نمی‌شود نکته: انواع استعاره برای داوطلبان ادبیات عمومی مورد سوال نخواهد بود و صرف تشخیص استعاره مصرحه و اضافات استعاری کفایت می‌کند.

انواع استعاره:

استعاره مصرحه: در ساده‌ترین بیان هرگاه نویسنده کلمه‌ای را جای کلمه دیگر بیاورد بطوریکه بین این دو کلمه وجه شبه از نوع صفت وجود داشته باشد استعاره مصرحه پدید می‌آید. مثلاً در بیت:

دلا تا کی در این زندان فریب این و آن بینی / یکی زین چاه ظلمانی برون شو تاجه‌بان بینی

ابتدا تشخیص می‌دهیم که کلمات زندان نمی‌تواند در معنای حقیقی خود معنا شود و سراینده آن را به جای کلمه «دنیا» آورده است؛ در مرحله بعد می‌بینیم که بین کلمات زندان و دنیا وجه شبه سختی و رنج آور بودن وجود دارد که این به معنای استعاره مصرحه می‌باشد.

استعاره مکنیه:

نوع اول (اضافه استعاری): هرگاه یک عضو یا ویژگی انسانی را به یک غیر انسان نسبت دهیم اضافه استعاری پدید می‌آید که شکل آن بدین صورت است:

عضو یا ویژگی انسانی + غیر انسان

مانند: رخ کفر - پای تعدی - دست طمع - آه آسمان - لجاج شهوت

نکته شکلاتی؛ همواره این نوع اضافه استعاری، تشفیص نیز هست.

نوع دوم: هرگاه در یک تشبیه ذهنی مشبه را با یکی از اجزا یا ویژگیهای مشبه به همراه سازیم نوعی استعاره مکنیه پدید می‌آید مثلاً در ترکیب «کنگره عرش» اگر تشبیه «عرش خدا همچون کاخی است» را در نظر بگیریم کنگره جزئی از کاخ بوده که با عرش همراه شده است. و یا در ترکیب «کاشتن مهر» اگر تشبیه «مهر همچون گل است» را در نظر بگیریم کاشتن ویژگی گل است که با مهر همراه شده است. پس شکل آن بصورت روبرو است:

جزء یا ویژگی مشبه به + مشبه

در تمرین‌های زیر استعاره‌ها را بیابید:

- ۱- نی محنت عشق دیده هرگز / نی جور بتان کشیده هرگز
- ۲- ابر بهاری ز دور اسب بر انگیخته / وز سم اسب سیاه لولو تر ریخته
- ۳- فریب جهان را مخور زینهار / که در پای این گل بود خاها
- ۴- بدین طمع که یکی بر نشانه بنشیند / هزار ناوک پران رها شد از شستم
- ۵- ننگرد دیگر به سرو اندر چمن / هر که دید آن سرو سیم اندام را
- ۶- دیده عقل مست تو، چرخه چرخ پست تو / گوش طرب به دست تو، بی تو به سر نمی‌شود
- ۷- طناب عمر مرا دست روزگار گسیخت / هنوز رشته امید از تو نگسستم
- ۸- سعدیا کنگره وصل بلند است و هر آنک / پای بر سر نهد دست وی آن جا نرسد

۳- مجاز :

مجاز (Trope) در لغت یعنی غیر واقع و غیر حقیقی.

در اصطلاح ادبی، استعمال و استفاده لفظ و واژه در غیر معنی اصلی خود را گویند.

به ساده ترین بیان هرگاه نویسنده کلمه ای را جای کلمه دیگر بیاورد و بین دو کلمه وجه شبه از نوع صفت وجود نداشته باشد و صرفاً یک نوع رابطه (علاقه) بین آنها وجود داشته باشد مجاز پدید می آید. مثلاً در بیت :

به یاد روی شیرین بیت می گفت / چو آتش تیشه می زد کوه می سفت

می دانیم شاعر واژه بیت را به جای شعر آورده و بین این دو نیز وجه شبهی نمی توان تعریف کرد پس می گوییم بیت مجاز از شعر است.

نکته شکلاتی: بیشترین نوع مجاز که داوطلبان عمومی با آن سر و کار دارند مجاز مکان از افراد یا موجودات درون آن (مجاز مملیه) می باشد که در آن مکان حضور افراد به جای خود آنان می آید مانند:

فروشی پرآمر ز دشت و ز شهر / غم آمد جهان را از آن کار بهر

نکته ۲: تشخیص نوع علاقه مجازها برای داوطلبان عمومی نیاز نیست و صرف تشخیص مجاز کفایت می کند.

نکته ۳: تمامی استعاره ها نوعی مجاز اند اما به خاطر داشته باشید کنکور در بسیاری از موارد این قاعده را رعایت نمی کند.

انواع علاقه (انسانی) :

۱- جزئییه : جزئی از یک چیز به جای کل آن به کار می رود. مثلاً آمدن کلمه بیت به جای شعر در مثال بالا

۲- کلیه : تمام چیزی به جای جزئی از آن بکار می رود مثلاً آمدن کلمه دست به جای انگشتان

۳- محلّیه : محل چیزی به جای خود آن چیز بکار می رود. (نکته ۱)

۴- لازمیّه : چیزی به دلیل همراهی همیشگی با چیزی دیگر به جای آن بکار می رود مانند آمدن «خون» به جای «کشتن»

۵- سببیّه : سبب چیزی جانشین خود آن می شود مثلاً «نفس» به جای «سخن» می آید.

۶- آلّیه : ابزار چیزی جانشین کاری شود که با آن ابزار انجام می شود مثلاً «زبان» به جای «سخن گفتن» می آید.

در تمرین های زیر مجاز ها را بیابید :

۱- چو کاوه برون آمد از پیش شاه / بر او انجمن گشت بازارگاه

۲- سینه ام ز آتش دل در غم جانانه بسوخت / آتشی بود در این خانه که کاشانه بسوخت

۳- سراسر همه دشت بریان شدند / بر آن چهره خندانش گریان شدند

۴- بر آشفست عابد که خاموش باش / تو مرد زبان نیستی گوش باش

۵- گر نبندی زین سخن تو خلق را / آتشی آید بسوزد خلق را

۶- دست در حلقه آن زلف دوتا نتوان کرد / تکیه بر عهد تو و باد صبا نتوان کرد

۷- دیدم که نفسم در نمی گیرد و آتشم در هیزم تر اثر نمی کند.

۴- تشخیص (جان بخشی- آدم نمایی):

تشخیص (personification) یعنی نسبت دادن حالات و رفتار انسانی به غیر انسان .

نکته ۱: در پیدا کردن تشخیص به این نکته توجه داشته باشید که حیوانات و گیاهان نیز جزو اشیای بی جان محسوب شده و نسبت دادن حالات انسانی چون خنده و گریه به آنها نیز نوعی تشخیص است مانند: شب تاب می‌گرید، شقایق می‌خندد. در عین حال بسیار مراقب باشید نسبت دادن حالاتی از حیوانات و گیاهان که قابل رخ دادن توسط آنها می‌باشد و مشترک با انسان است را به اشتباه جان بخشی به حساب نیاورید؛ برای نمونه جملات **روباه می‌دوید** یا **بید مجنون رشد می‌کند** تشخیص نیستند چرا که دویدن روباه و رشد گیاه امری ممکن برای آنهاست.

نکته ۲: تمام تشخیص‌ها نوعی استعاره (مکنیه) هستند البته این قاعده را نیز در بسیاری موارد کنکور رعایت نمی‌کند .

نکته شکلاتی: هرگاه غیر انسانی مورد فطاب هروف ندای انسانی مانند ای ، یا و ... قرار بگیرد از آرایه تشخیص استعاره شده است.

ای مرغ سمر عشق ز پروانه پیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

نکته شکلاتی: فراوند و شیطان در اینجا غیر انسان محسوب نمی‌شوند و نسبت دادن حالات انسانی به آنها یا مورد فطاب قرار دادنشان توسط هروف ندای انسانی تشخیص نیست.

در تمرین‌های زیر تشخیص‌ها را بیابید :

- ۱- قضا گفت گیر و قدر گفت ده/فلک گفت احسنت و مه گفت زه
- ۲- بر دوش زمان لحظه‌ها سنگین بود/خورشید و زمین و آسمان غمگین بود
- ۳- ای دیو سپید پای در بند / ای گنبد گیتی ای دماوند
- ۴- فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ / بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ
- ۵- لاله سوی جویبار خرگه بیرون زده است / خیمه آن سبز گون، خرگه این آتشین
- ۶- ... و حتی درختش، غارش، کوهش، هر صخره سنگش و سنگ ریزه‌اش آیات وحی را بر لب دارد

۵- کنایه:

کنایه در لغت به معنی پوشیده و سر بسته سخن گفتن است.

در اصطلاح ادبی کنایه سخنی است که دارای دو معنی نزدیک و دور است که منظور گوینده معنی دور آن است، به گویش دیگر کنایه ذکر یک مطلب و دریافت مطلب دیگر است یعنی می بایست از طریق استدلال، معنی آن سخن را دریافت کنیم به ساده ترین گویش کنایه زمانی پدید می آید که تفاوتی بین معنای تحت اللفظی و معنای مورد نظر گوینده وجود داشته باشد مانند: چه خاکی بر سر بریزم یعنی چه کار باید بکنم یا سماق مکیدن یعنی سرکار گذاشتن و یا کمر بستن یعنی آماده شدن.

نکته شکلاتی؛ کنایه در نظم و نثر به صورت جمله و یا ترکیب ظاهر می شود.

نکته شکلاتی ۲: هواستان به کنایاتی که به دلیل استفاده بیش از حد و باب شدن در زبان مآوره، کمتر دیده می شوند باشد مانند: دلتنگ، دل گرفته، تهی دست، بی سر و پا و ...

۷ در زبان فارسی کنایاتی با معنای مشترک وجود دارند که ممکن است مورد سؤال طراحان قرار گیرند که بنده در این جا تعدادی از آنها را که در کتاب درسی وجود دارد ذکر می کنم:

- ۱- کشتن و نابود کردن: ۱- حلال کردن ۲- بسمل کردن ۳- از پا در آوردن ۴- به درک فرستادن
- ۲- کمال یافتن: ۱- زر شدن ۲- به عیوق بر شدن ۳- پا بر فرق فرقدان نهادن ۴- سر از آسمان گذشتن
- ۳- شکست دادن: ۱- سر به گرد آوردن ۲- سر زیر آوردن ۳- پشت به خاک رساندن
- ۴- خوش حالی مفرط: ۱- سر از پا نشناختن ۲- در پوست ننگیندن ۳- کبک کسی خروس خواندن ۴- قند در دل آب شدن
- ۵- ساکت ماندن و حرفی نزدن: ۱- پنبه ای در دهان خود فشردن ۲- دهان دوختن ۳- دم در نیاوردن
- ۶- ناراحت و غمگین بودن: ۱- دل تنگ ۲- دل کباب ۳- دل گرفته ۴- دل شکسته
- ۷- فقیر و بیچاره: ۱- تنگ عیش ۲- تهی دست ۳- پا برهنه ۴- خوشه چین ۵- آسمان جل
- ۸- مسافرت کردن و مستقر شدن: ۱- رخت کشیدن ۲- بارگه زدن ۳- خیمه و خرگه زدن

در تمرین های زیر کنایه ها را بیابید :

- ۱- چنین است رسم سرای درشت / گهی پشت بر زین گهی زین به پشت
- ۲- در این سرای بی کسی، کسی به در نمی زند / به دشت پر ملال ما پرنده پر نمی زند
- ۳- لات و لوت و آسمان جل و بی دست و پا و پخمه و تا بخواهی بدریخت و بدقواره.
- ۴- شکمها را مدتی است صابون زده اند که کباب غاز بخورند
- ۵- کسی کاو هوای فریدون کند / سر از بند ضحاک بیرون کند
- ۶- نشوم یک دل و یک رنگ تو را / تا نسازی دل او از خون رنگ
- ۷- به تیرم گر کشد دستش نگیرم / و گر تیرم زند منت پذیرم
- ۸- هنوز از دهن بوی شیر آیدش / همی رای شمشیر و تیر آیدش

۱- واج آرای (نغمه حروف):

واج آرایی تکرار یک صامت یا مصوت در کلمات یک مصراع یا عبارت است به گونه‌ای که کلام را آهنگین کرده و بر تأثیر آن بیفزاید این تکرار آگاهانه باعث می‌گردد القای معنی مورد نظر شاعر بیشتر شود مثال در بیت زیر فردوسی با استفاده از واج آرای حس خشونت را در قالبی حماسی بیان نموده:

«بر او راست خم کرد و چپ کرد راست/خروش از خم چرخ چاچی بخواست»
در مثالی دیگر منوچهری صدای خرد شدن برگهای پاییزی را با واج آرای به گونه‌ای هنرمندانه و تأثیرگذار نشان داده است.
«خیزید و خزآرید که هنگام خزان است/باد خنک از جانب خوارزم وزان است»

نکته ۱: معمولاً آریه تکرار با واج آرای در ارتباط است

ای چشم تو چشم چشمه‌ی چشم همه / بی چشم تو نور نیست بر چشم همه
چشم همه را نظر به روی تو بود / بی چشم تو چشمه‌هاست بر چشم همه «ابوسعید»
نکته شکلاتی: بر اساس منطق کنگور برای نسبت دادن آرایه واج آرای به یک عبارت وجود ۳ واج هم آوا
احتمال بسیار بالایی این ۳ واج در ابیات وجود دارند پس زین پس از نظر ما در حل تستها این آرایه کاربردی نخواهد داشت.
نکته ۳: در یافتن آرایه واج آرای دقت کنید که انواع س، ز، ت، ح مهم نیست و صرف تلفظ یکسان کفایت می‌کند.

چند مثال از واج آرای:

- ۱- صدای سنگین سکوت در سرسرا پیچیده بود
- ۲- شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی / غنیمت است چنین شب که دوستان بینی
- ۳- کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند / کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند
- ۴- کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز / شاید که باز بینم دیدار آشنا را
- ۵- خوابِ نوشنِ بامدادِ رحیل / باز دارد پیاده را ز سبیل (واج آرای مصوت)

۲- جناس :

جناس از قرار گرفتن کلماتی که دارای حروف مشترک و هم جنس هستند در کنار هم ساخته می شود یعنی کلمات یکسان و هماهنگ که تنها در یک حرف با هم اختلاف دارند مثل: گور و گور، بام و کام

۱- جناس بر دو نوع است: جناس تام و جناس ناقص

۱- جناس تام: دو کلمه در یک عبارت که الا رقم یکسان خوانده شدن با هم تفاوت معنایی دارند مانند: زاد و زاد، باز و باز، شیرین و شیرین، جوی و جوی و

۲- جناس ناقص: دو کلمه در یک عبارت که از نظر شکل و آهنگ شبیه هم هستند و تقریباً در نوشتار یکسان هستند.

انواع جناس ناقص :

اختلافی: تعداد و ترکیب واج ها یکسان است و فقط در یک حرف اختلاف دارند. مانند: بوی و خوی ، نماز و نیاز

حرکتی: تنها در یک مصوت کوتاه اختلاف دارند مانند: مهر و مَهر ، زَهره و زُهره

افزایشی: ترکیب دو واژه یکسان است ولی یکی در اول، وسط یا آخر یک حرف بیشتر دارد مانند: چمن و چمن ، آرام و رام ، دست و دوست

نکته ۱: عموماً قافیه ها در قالب مثنوی جناس هستند.

نکته ۲: آرایه جناس هم در نظم و هم در نثر وجود دارد.

نکته ۳: تعدادی از ترکیبات اتباعی که ما گاهی در مکالمات روزمره نیز استفاده می کنیم از انواع جناس است مانند: لات و لوت، چرند و پرند، ساخت و پاخت و ...

نکته شکلاتی: شناسه ها و ضمائر ایبارکننده جناس افزایشی نیستند مثلاً: دست و دستش یا گفت و گفتم جناس نیست.

نکته شکلاتی ۲: توبه داشته باشید مفهوم یک حرف که در اکثر اختلاف ممکن بین دو کلمه است مجموع یک صامت با مصوت کنارش است بر این اساس کلماتی مانند نماز و نیاز جناس هستند و کلماتی مانند غرق و عرق جناس نیستند .

در تمرین های زیر جناس ها را بیابید :

۱- کان کس منم ای ستوده دهر / کز عشق نبوده هرگز بهر

۲- گرم باز آمدی محبوب سیم اندام سنگین دل / گل از خارم بر آوردی و خار از پای و پای از گل

۳- عشق، شوری در نهاد ما نهاد / جان ما در بوته سودا نهاد

۴- حدیث روضه نگویم، گل بهشت نبویم / جمال حور نجویم، دوان بسوی تو باشم

۵- بگفت: از دل جدا کن عشق شیرین / بگفت: چون زیم بی جان شیرین

۶- این بوی روح پرور از آن خوی دلبر است / وین آب زندگانی از آن جوی کوثر است

۳- سج:

سجع در لغت به معنی آواز کبوتر است و در اصطلاح ادبی آرایه‌ای است که از همراه آمدن کلمات هماهنگ در آخر جمله‌های یک عبارت حاصل می‌شود.

✓ هماهنگی موبه‌د در سجع بر سه نوع است (انسانی):

۱- اشتراک در حرف پایانی (سجع مطرف)

۲- اشتراک در وزن (سجع متوازن)

۳- اشتراک هم در حرف پایانی و هم در وزن (سجع متوازی)

سجع می‌تواند در نظم نیز به کار رود که آن را قافیه میانی می‌نامند (انسانی) مانند:

بازآ و بر چشمم نشین ای دلستان نازنین / کاشوب و فریاد از زمین بر آسمانم می‌رود

اگر سجع‌ها در کنار هم بیایند به آن «تضمین المزدوج» می‌گویند. (انسانی) مانند:

رباب و چنگ به بانگ بلند می‌گویند / که گوش‌هوش به پیغام اهل راز کنید

نکته ۱: سجع در نثر همانند قافیه در شعر است.

نکته شکلاتی: دقت داشته باشید سجع در نثر در دو جمله ظاهر می‌شود آن هم در پایان جمله‌ها پس هرگز در میان جملات به دنبال سجع نگردید.

نکته ۳: توجه کنید به کلمات هماهنگ پایان جمله‌ها جناس نمی‌گویند. پس در تشخیص جناس از سجع شناخت پایان جمله اساسی دارد.

نکته ۴: گاهی در پایان جملات سجع دار، واژگانی عیناً مثل هم می‌آیند که همانند ردیف در شعر هستند؛ در این مواقع برای شناخت سجع آنها را کنار گذاشته و به واژه‌های قبل از آن توجه می‌کنیم مانند مثال ۲.

مثال

۱- الهی عذر ما بپذیر و به عیب‌های ما مگیر

۲- جان ما را صفای خود ده و دل ما را هوای خود ده

۳- پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد

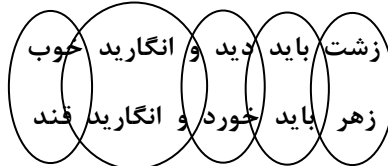
۴- هر کس این طریقت نورزد به پولی نیرزد

۵- نه آنچه دارم دانم و نه آنچه دانم دارم.

۶- هنگام تنگدستی در عیش کوش و مستی / کاین کیمیای هستی قارون کند گدا را

۴- موازنه (انسانی) :

آرایه موازنه زمانی پدید می آید که نویسنده در دو مصرع شعر یا دو عبارت نثر به گونه ای بین کلمات ارتباط برقرار کرده باشد که اگر دو مصرع یا دو عبارت را زیر هم بنویسیم نوعی ارتباط یک به یک بین کلمات آنها وجود داشته باشد. به بیت زیر توجه کنید:



همانطور که می بینید یک ارتباط یک به یک بین اجزای دو مصرع وجود دارد که به زیبایی آن افزوده است.

نکته ۱: این ارتباط می تواند بین دو کلمه تکراری هم باشد مانند «انگارید و باید» در بیت بالا.

نکته ۲: دقت کنید این ارتباط می بایست دقیقاً یک به یک باشد یعنی جزء اضافه ای در یکی از مصرع ها وجود نداشته باشد.

نکته ۳: موازنه هم در نظم و هم در نثر کاربرد دارد.

چند مثال از موازنه :

۱- نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگجی / نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی

۲- هم عقل دویده در رکابت / هم شرع خزیده در پناهت

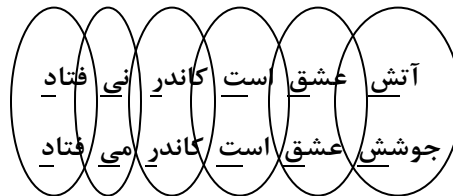
۳- چرخ ارچه رفیع خاک پایت / عقل ارچه بزرگ طفل راحت

۴- نه شاخش خشک گردد روز سرما / نه برگش زرد گردد روز گرما

۵- اگر آفتاب می خوای این ور، اگه سایه می خوای اون ور

۵- ترصیع (انسانی) :

گفتیم آرایه موازنه زمانی پدید می آید که نویسنده در دو مصرع شعر یا دو عبارت نثر به گونه ای بین کلمات ارتباط برقرار کرده باشد که اگر دو مصرع یا دو عبارت را زیر هم بنویسیم نوعی ارتباط یک به یک بین کلمات آنها وجود داشته باشد. حال اگر بین کلمات دو به دو متناظر یکسانی واج آخر وجود داشته باشد آرایه ترصیع پدید آمده است به بیان دیگر ترصیع نوع خاصی از موازنه است که در آن واج های آخر کلمات متناظر نیز یکسان است. به بیت زیر توجه کنید.



همانطور که می بینید ارتباط یک به یک بین اجزاء دو مصرع وجود دارد ضمن اینکه واج های آخر کلمات دو به دو متناظر نیز یکسان است.

نکته ۱: این یکسانی واج آخر می تواند بین دو کلمه یکسان نیز وجود داشته باشد مانند «عشق» در بیت بالا.

نکته ۲: ترصیع هم در نظم و هم در نثر کاربرد دارد.

پند مثال از ترصیع :

- ۱- گهی از بهر او خوابش رمیده / گهی از خار او دستش خلیده
- ۲- هم حرکاتش متناسب به هم / هم خطواتش متقارب به هم
- ۳- آن چه نشنیده گوشت، آن شنوی / وان چه نادیده چشم، آن بینی
- ۴- همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی
- ۵- نه آنچه دارم دانم ، نه آنچه دانم دارم

۶- تکرار - تصدیق (انسانی) - قلب:

تکرار: تکرار یک یا چند واژه با معنی یکسان مانند :

از در درآمدی و من از خود به در شدم / گویی کز این جهان به جهان دگر شدم
هم نظری هم خبری هم قمران را قمری / هم شکر اندر شکر اندر شکر اندر شکری

تصدیق (انسانی): اگر واژه ای با معنی یکسان در آغاز و پایان بیتی - تقریبا یا دقیقا - تکرار شود آنرا تصدیق می نامند مانند:

بار یابی به محفلی کان جا / جبرئیل امین ندارد بار
گل آن جهانی است نگنجد در این جهان / در عالم خیال چه گنجد؟ خیال گل
چه نماز باشد آن را که تو در خیال باشی؟ / تو صنم نمی گذاری که مرا نماز باشد

قلب (عکس): هر گاه بتوان در یک جمله یا شعر، واژه ها یا عبارات را با یکدیگر جابجا کرد (قلب کل) یا بتوان بعضی از حروف یک واژه

را تغییر داد (قلب بعض (انسانی)) ، شاعر یا نویسنده از آرایه قلب استفاده کرده است.

چه ناله ها که رسید از دلم به خرگه ماه / چو یاد عارض آن ماه خرگهی آورد
نگاه حافظ به زندگی ، حتی به نازیبایی های زندگی و زندگی های نازیبا ، زیباست.

۷- مراعات نظیر (تناسب):

مراعات نظیر یا همان تناسب در اصطلاح ادبی آرایه‌ای است که در آن نویسنده با آوردن واژه‌هایی از یک مجموعه و به هم مرتبط در سخن خود به آن تأثیر بیشتر می‌دهد. این ارتباط می‌تواند از نظر نوع، مکان، جنس، زمان، همراهی و ... باشد
مثلاً در بیت :

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو/ یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو
کلمات مزرع و داس و کشته و درو تماماً مرتبط با عمل کشاورزی بوده و دارای تناسبند و یا در بیت :
بفرمود تا جوشن و خود اوی / همان ترکش و نیزه جنگ جوی
کلمات جوشن و خود و ترکش و نیزه همگی از آلات جنگ بوده و با هم تناسب دارند.

نکته شکلاتی: در یک بیت یا عبارت تنها ۲ کلمه‌ی مرتبط کافی است تا آرایه مراعات نظیر را به آن نسبت دهیم و با توجه به اینکه به احتمال بسیار بالایی این ۲ کلمه در ابیات وجود دارند پس زین پس از نظر ما در حل تستها این آرایه کاربردی نفواهر داشت.

در تمرین های زیر کلماتی که دارای مراعات نظیر هستند را بیابید :

۱- ندانست خود، جز بد آموختن / جز از کشتن و غارت و سوختن

۲- می‌بهشت ننوشم ز جام ساقی کوثر / مرا به باده چه حاجت که مست روی تو باشم

۳- این ره، آن زاد راه و آن منزل / مرد راهی اگر بیا و بیار

۴- صیاد پیش آمد و جال باز کشید و حبه بینداخت و در کمین بنشست

۵- به سراغ دادگستری رفتم تا قاضی شوم و درخت بیداد را از بیخ و بن براندازم

۸- تلمیح (اشاره):

تلمیح در لغت یعنی از گوشه چشم اشاره کردن و در اصطلاح علم بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به بخشی از یک اثر هنری، دینی، تاریخی و یا اساطیری اشاره کند.

۷ یافتن آرایه تلمیح در یک شعر یا نثر نیازمند درک روشن از آن نوشته و نیز دانستن مطلب مورد اشاره بطور کامل است.

تذکر: برای حل تست های کنکور مربوط به آرایه تلمیح نیاز داریم تا تلمیحات موجود در کتاب درسی را بخوبی فراگرفته باشیم. لازم به ذکر است در متون کتاب درسی هر جا که این آرایه بکار رفته است در توضیحات پایان درس مورد اشاره ذکر شده است.

نکته شکلاتی: نوع دیگری از تلمیح که بسامد بالایی در متون فارسی دارد آوردن کلمات اساطیری مانند نوح، ابراهیم، شیرین، فسرو، یوسف، الب ارسلان، بهرام، جمشید، الست، غریر و ... است که در حقیقت گوینده قصه دارد از این طریق ذهن ما را به سمت داستان آن شفیهیت سوق دهد. برفی ویژگیها و اتفاقات نیز در رابطه با اسطوره ها به ویژه اسطوره های دینی در بیت ها مورد اشاره قرار می گیرد مانند: کشتی نجات بفش (حضرت نوح)، شکافتن ماه، قاتمیت در دین (حضرت محمد ص)، اژدها شدن عصا، ید بیضا، دریا شکافتن (حضرت موسی کلیم الله)، دم میات بفش (حضرت عیسی)، آب میات (حضرت فضر)، ماچرای زلیفا، پاه نابوانمردی، سیلی برادران (حضرت یوسف) و ...

در تمرین های زیر تلمیح ها را بیابید :

۱- برو ای گدای مسکین در خانه علی زن / که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

۲- چو فردا نامه خوانان نامه خوانند / تو را از نامه خواندن ننگت آید

۳- چنین گفت پیغمبر راستگوی / ز گهواره تا گور دانش بجوی

۴- بیستون بر سر راه است مباد از شیرین / خبری گفته و غمگین دل فرهاد کنید

۵- عزرائیل بیامد و به قهر یک قبضه ی خاک از روی جمله زمین برگرفت

۶- گفت آن یار کزو گشت سر دار بلند / جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد

۷- پرده داران حرم ستر عفاف ملکوت، آن ها را با این شهاب های آتشین می زنند.

در اصطلاح ادبی تضمین آوردن آیه، حدیث، مصراع یا بیتی از شاعر دیگر در میان کلام خود است. استفاده از تضمین در شعر می‌تواند به صورت های مختلف صورت گیرد که در آن شاعر عین کلام را با درج منبع و یا بدون ذکر آن در اثنای کلام خود می‌آورد.

نکته ۱: از لحاظ نگارشی تضمین میان دو گیومه ذکر می‌شود

نکته ۲: در طول سالیان گذشته بسیار کم اتفاق افتاده که از مبحث تضمین سوالی در کنکور طرح گردیده باشد. لذا استفاده از این آرایه در کتاب نیز محدود به چند موردی است که مطالعه آن خالی از لطف نیست.

نکته ۳ (انسانی): اگر شاعر یا نویسنده ضرب المثلی را که پیش از وی رواج داشته در اثنای سخن خود بیاورد می‌توان آن را تضمین خواند مانند مصراع اول بیت زیر از سعدی :

تو نیکی می‌کن و در دجله انداز / که ایزد در بیابانت دهد باز

چند مثال از آرایه تضمین :

۱- چه زخم نای چو نای هر دم ز نوای شوق او دم / که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوارا

« همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی / به پیام آشنایی بنوازد آشنا را »

۲- مرتضایی گفت: « و لكم فی القصاص حياه یا اولی الالباب »

۳- الطاف الوهیت و حکمت ربوبیت به سرملائکه فرو می‌گفت: « انی اعلم مالا تعلمون »

۴- چون کار به خلقت آدم رسید گفت: « انی خالق بشرأ من طین »

۱۰- ایهام- ایهام تناسب (انسانی):

ایهام در لغت به معنای به وهم افکندن و به شک انداختن است.
و در بیان بدیعی استفاده از یک واژه با حداقل دو معنی (معانی می بایست تحت اللفظی باشند نه استعاری و مجازی) است که هر دو معنی در عبارت ترجمه گردد.

✓ مثلاً به بیت زیر توجه کنید:

امید هست که روی ملال در نکشد / از این سخن که گلستان نه جای دلتنگی است

گلستان در بیت فوق به دو معنی آمده: ۱- باغ و محل گل ۲- گلستان سعدی

نکته ۱: برای یافتن آرایه ایهام در جمله می بایست که به معنای مختلف واژه و عبارات آگاه باشیم.

نکته ۲: بسیار دقت کنید زمانی آرایه ایهام را می توان به آن بیت شعر نسبت داد که هر دو معنی واژه در عبارت معنا گردد. مثلاً در مصرع

هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آید

کلمه کیش را نمی توان ایهام با دو معنی مذهب و جزیره کیش دانست چرا که معنی دوم برای این عبارت قابل استفاده نیست.

نکته شکلاتی: تفلس شعرا از مواردی است که بسامد بالایی را در میان ایهام ها دارد برای نمونه حافظ، مفی، حبیب، فمش، رهی، هاتف، بیدل و ... از تفلهاتی است که بارها دستاویز طراحان سوال قرار گرفته است.

ایهام تناسب (انسانی): آوردن واژه ای در کلام با دو معنی تحت اللفظی بصورتی که یک معنی در عبارت معنا می دهد و معنی دیگر که معنا نمی دهد با یکی از کلمات دیگر آن عبارت مراعات نظیر (تناسب) دارد مثلاً در بیت زیر برای کلمه «مهر» دو معنی محبت و خورشید را می توان معنی کرد که معنی اول در عبارت ترجمه می گردد و معنی دوم که قابل ترجمه نیست با کلمه عیوق (نام ستاره ای) مراعات نظیر دارد.

چو شبنم اوفتاده بودم پیش آفتاب / مهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم

در تمرین های زیر ایهام بیابید:

۱- در سخن مخفی شدم مانند بو در برگ گل / هر که خواهد دیدنم گو در سخن بیند مرا

۲- به خوابگاه عدم گر هزار سال بخشیم / به خواب عافیت آنکه به بوی موی تو باشم

۳- بگفت از دل جدا کن عشق شیرین / بگفت چون زیم بی جان شیرین

۴- دی می شد و گفتم صنما عهد به جای آر / گفتا غلطی خواجه در این عهد وفا نیست

۵- پیایی بکش جام و سرگرم باش / بهل گر بگیرند بیکارها

۶- شعر سپید من رو سیاه ماند که در فضای تو به بی وزنی افتاد

۱۱- اغراق (خلو-مبالغه-بزرکنمایی):

اغراق در لغت به معنای مبالغه کردن و سخت کشیدن کمان است. و در اصطلاح ادبی آن است که در صفت کردن، ستایش و یا نکوهش کسی یا چیزی زیاده روی کنند بطوریکه از حد معمول بگذرد و برای شنونده شگفت‌انگیز باشد.

به بیان دیگر اغراق زمانی پدید می‌آید که اتفاقی غیر ممکن از لحاظ عقلایی به وقوع پیوسته باشد.

نکته ۱: اغراق باعث خیال‌انگیزی و زیبایی شعر است و استفاده از آن برای آفریدن صحنه‌های حماسی بسامد بالایی دارد.

نکته شکلاتی؛ در پیدا کردن اغراق به فعل جمله توجه کنید که رفتار موهوم در جمله را تایید کرده باشد. این یکی از مهربانی‌های طراحان در تست‌های کنکور می‌باشد برای نمونه به ابیات زیر توجه کنید:

ملک همشیر ندارم که ز تو بوسه فرم / اینک اینک من و دل‌گر به دلی فرسندی

ذکر رخ و زلف تو دلم را / وردی است که صبح و شام دارد

پند مثال از اغراق:

۱- شود کوه آهن چو دریای آب / اگر بشود نام افراسیاب

۲- دم تیغ بر گردنش چون رسید / سر عمرو صد گام از تن پرید

۳- هرگز کسی ندید بدین سان، نشان برف / گویی که لقمه است زمین در دهان برف

۴- هیونان به هیزم کشیدن شدند / همه شهر ایران به دیدن شدند

۵- که گفت برو دست رستم ببند / نبندد مرا دست چرخ بلند

۱۲- اسلوب معادله (پارالل) :

اسلوب معادله یا همان پارالل یعنی برابری معنایی دو مصرع یک بیت در حالیکه در ظاهر این دو مصرع هیچ گونه ارتباطی با یکدیگر ندارند. معمولاً مصراع دوم بیت در حکم مصداق و توضیح برای مصراع اول بوده که حاوی فکر و پیام شاعر است.

۲۷ مرحله در تشخیص اسلوب معادله :

شرط لازم : در میان دو مصرع بیت می توان کلمه «همانطور که» را قرار داد و به معنی آن دست یافت.
شرط کافی : همواره می باید یک مصرع مفهومی را بیان کند و مصرع دیگر برای آن مفهوم مثالی باشد.

نکته ۱: عموماً مصرع اول به مصرع دوم تشبیه شده است.

نکته ۲: در بیتی که اسلوب معادله دارد ممکن است یکی از مصرع ها پرسشی باشد از نوع استفهام انکاری مانند :
صوفی چگونه گردد گرد شراب صافی؟ گنجشک را نگنجد عنقا در آشیانه

نکته شکلاتی: در ابتدای مصرع دوم بیتی که اسلوب معادله دارد معمولاً مروف ربط وابسته ساز (که، تا، همین که) نمی آید.

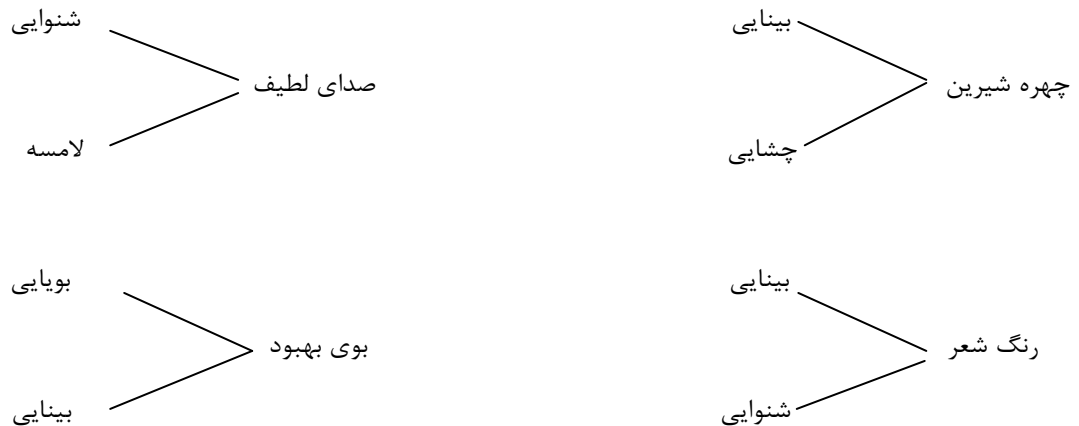
نکته شکلاتی ۲: در بیتی که اسلوب معادله دارد نباید مصرع دوم در ادامه مصرع اول بیاید و مکمل معنایی آن باشد و جمله و مفهوم باید در پایان هر مصرع تمام شود .

پند مثال از اسلوب معادله :

- ۱- آدمی پیر چو شد حرص جوان می گردد / خواب در وقت سحرگاه گران می گردد
- ۲- بی کمالی های انسان از سخن پیدا شود / پسته بی مغز چون لب وا کند رسوا شود
- ۳- دود اگر بالا نشیند کسرشان شعله نیست / جای چشم ابرو نگیرد گرچه او بالاتر است
- ۴- محرم این هوش جز بی هوش نیست / مر زبان را مشتری جز گوش نیست
- ۵- عیب پاکان ، زود بر مردم هویدا می شود / موی اندر شیر خالص زود پیدا می شود

۱۳- حس آمیزی:

حس آمیزی آمیختن دو یا چند حس است در کلام هر انسان دارای حواسی از قبیل بینایی، بویایی، چشایی و شنوایی و لامسه است که آرایه حس آمیزی زمانی پدید می آید که یک ترکیب ادبی با دو حس از این حسها درگیر باشد برای فهم بهتر موضوع مثال های زیر را بررسی کنید:



نکته: نوع دیگر حس آمیزی وجود دارد که در آن وقوع یک حس با فعلی مرتبط به حس دیگر صورت می پذیرد مانند:

بوشو می شنفم - فارسی صحبت کردن مرا دید - ببین چی می گم !!

در تمرین های زیر مس آمیزی بیابید :

- ۱- این خط شکسته را از درویش هم بهتر و بامزه تر و محکم تر نوشته است.
- ۲- نجوای نمناک علفها را می شنوم
- ۳- از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر / یادگاری که در این گنبد دوار بماند
- ۴- اگر چه تلخ باشد فرقت یار / در او شیرین بود امید دیدار
- ۵- گر به این گرمی است آه شعله زای عندلیب / شمع روشن می توان کرد از صدای عندلیب
- ۶- راز نهان دار و خمش ور خمشی تلخ بود / آنچه جگر سوزه بود باز جگر سازه شود
- ۷- حلاوت سخن تلخ را ز عاشق پرس / ز ماهیان بطلب طعم آب دریا را

آرایه حسن تعلیل یکی از زیباترین آرایه‌های ادبی است که نویسنده علتی ادبی و غیر واقعی را برای امری واقعی بیان می‌کند چنانکه بر عمق وجود فرد تأثیر گذاشته و مخاطب را قانع می‌سازد. در حقیقت روند کاری ما در پیدا کردن حسن تعلیل به شکل زیر است :

ابتدا معلول (اتفاقی که افتاده) را می‌یابیم سپس پیدا می‌کنیم چه علتی (دلیل اتفاق) برای آن ذکر شده است . اگر علت غیر واقعی بود یعنی در آن نوشته حسن تعلیل وجود دارد .

مثلاً: از حکیمی پرسیدند چرا استماع تو از نطق زیادت است؟ گفت: زیرا مرا دو گوش داده‌اند و یک زبان یعنی دو چندان که می‌گویی می‌شنو. در بررسی این آرایه باید گفت که آیا حقیقتاً علت اصلی آفرینش دو گوش و یک زبان این بوده است؟

نکته ۱: دقت کنید در پیدا کردن این آرایه در متون بیان علت اصلی را با علت غیر واقعی اشتباه نگیرید؛ این یکی از حربه‌های طراحان سوال برای سنجش دانش ادبی شما می‌تواند باشد.

نکته ۲: برخی از حسن تعلیل‌ها امروزه در مثل‌های فارسی نیز دیده می‌شود ضمناً به این نکته نیز توجه کنید که غالب حسن تعلیل‌ها با آرایه تشخیص نیز همراه است.

در تمرین‌های زیر مسن تعلیل بیابید (با مشخص کردن علت و معلول) :

۱- از صوفی پرسیدند: هنگام غروب خورشید چرا زرد روی است؟ گفت از بیم جدایی

۲- از آن مرد دانا دهان دوخته است / که ببند که شمع از زبان سوخته است

۳- از غم داغ گل رخان از خاک / لاله در خون تپیده می‌آید

۴- شرح دهم از چه شب زشت و سیه دل بود / هر که خورد خون خلق زشت و سیه دل شود

۵- چاه از آن زمان که تو در آن گریستی جوشان است.

۶- خاک بغداد به مرگ خلفا می‌گرید / ورنه این شط روان چیست که در بغداد است؟

۷- گر نه باد صبحدم در گلشن او جسته راه / برق آهم پس چرا آتش فشانی می‌کند؟

۸- آتش عشق است کاندر نی افتاد / جوشش عشق است کاندر می‌فتاد

۱۵- تضاد (طباق - مطابقت):

تضاد در لغت به معنای دو چیز را در مقابل یکدیگر آوردن است.

و در اصطلاح علم بدیع آرایه ای است که گوینده با آوردن دو کلمه که در ذات و در مفهوم متضاد یکدیگرند ترکیبی ادبی پدید می آورد که موجب زیبایی و شیوایی سخن می گردد.

تذکر: از آنجا که به کرات شاهد اشتباه دانش آموزان در تشخیص دو آرایه تضاد و تناقض از یکدیگر بوده ام در پایان آرایه ی تناقض تفاوت و روش تشخیص این دو آرایه از یکدیگر را شرح داده ام که حتماً مطالعه نمایید.

نکته شکلاتی: فعل های مثبت و منفی از مصدر یکسان و نیز افعال متضاد مفهوم متضاد حساب می شوند

وفا نکردی و کردم، وفا ندری و دیدم / شکستی و نشکستم، بریدی و نبردم

نکته ۲: تضاد هم در نظم و هم در نثر کاربرد دارد.

نکته ۳ (انسانی): برخی از واژه های متضاد، آرایه مراعات نظیر نیز دارند که به آن **تضاد و تناسب** گفته می شود مانند:

سخن در میان دو دشمن چنان گوی که اگر دوست گردند، شرم زده باشی.

در تمرین های زیر تضاد ها را بیابید :

۱- در حق او مدح و در حق تو ذم / در حق او شهد و در حق تو سم

۲- هنر خوار شد جادویی ارجمند / نهان راستی آشکارا گزند

۳- گفت باید حد زند هوشیار مردم مست را / گفت هشیاری بیار اینجا کسی هشیار نیست

۴- تو مو بینی و مجنون پیچش مو / تو ابرو او اشارت های ابرو

۵- ای مدعی برو که مرا با تو کار نیست / احباب حاضرند به اعدا چه حاجت است؟

۶- اگر مقبول بود به ردّ خلق مردود نگردد و اگر مردود بود به قبول خلق مقبول نگردد

۱۶- تناقض (پارادوکس - تناقض نما - بیان نقیضی) :

تناقض در لغت به معنای ناسازگاری دو لفظ یا دو کلام با یکدیگر است که جمع وجود هر دوی آنها ذاتاً غیر ممکن است.

به بیان دیگر هر گاه گویند از دو لفظ در یک کلام استفاده کند به گونه‌ای که یکی از آن دو امری را اثبات و دیگری آن را نفی کند از آرایه تناقض بهره برده است.

نکته ۱: در بررسی آرایه تناقض دقت کنید که وجود همزمان هر دو لفظ غیر ممکن باشد به مثال زیر توجه کنید:

در ره عشقش چو دانش باید و بی‌دانش لاجرم در عشق هم نادان و هم دانا شدم

در این بیت دو آرایه تناقض دیده می‌شود هم بین کلمات دانش و بی‌دانشی و هم بین کلمات نادان و دانا؛ همانطور که مشاهده می‌کنید وجود همزمان دو جفت کلمه غیر ممکن است که در عالم خیال شاعرانه ممکن شده است.

نکته شکلاتی: از اضافه شدن دو کلمه متضاد به یکدیگر آرایه تناقض پدید می‌آید. به ترکیبات زیر دقت کنید.

پیرای پنهان - غریب آشنا - دولت فقر - شکر تلخ - صدای سنگین سکوت - فروش فاموش و....

نکته شکلاتی ۲: نوع دیگری از تناقض نیز وجود دارد که در آن انجام عملی به انجام دهنده عکس آن عمل نسبت داده می‌شود. مثلاً در مصرع «از این باد ار مرد فواهی پراغ دل برافروزی» بار باعث فاموشی پراغ است که اینجا عکس آن به آن نسبت داده شده است.

نکته بسیار مهم: در تشخیص دو آرایه تضاد و تناقض از یکدیگر دقت کنید هنگامی ما آرایه تناقض را به عبارتی نسبت می‌دهیم که در آن دو کلمه متضاد با یکدیگر جمع شده باشند به بیان دیگر از آنجا که حضور دو کلمه متضاد با هم در یک کلام غیر ممکن است آرایه تناقض پدید آمده که این ناممکن حقیقی را به ممکن ادبی تبدیل کند. بطور خلاصه هر گاه در کلامی دو لفظ متضاد با یکدیگر جمع شده بودند آرایه تناقض در آن وجود دارد و هر گاه تنها این کلمات متضاد در بیت حضور داشتند آرایه تضاد وجود دارد به مثال زیر دقت کنید:

پایان شب سیه سفید است

شبی است که از بامداد آغاز می‌شود

در مصرع اول دو کلمه سیه و سفید متضاد یکدیگرند اما هیچگونه جمعی میان آنها صورت نگرفته لکن در نثر دوم نویسنده شروع شب و بامداد را هم ردیف می‌داند که این جمع دو کلمه متضاد به پدید آمدن تناقض انجامیده است.

در تمرین‌های زیر تناقض بیابید :

۱- هرگز وجود حاضر غایب شنیده ای / من در میان جمع و دلم جای دیگر است

۲- گدای کوی تو از هشت خلد مستغنی است / اسیر عشق تو از هر دو عالم آزاد است

۳- از خلاف آمد عادت بطلب کام که من / کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

۴- با همان زبان بی‌زبانی نگاه حقش را کف دستش می‌گذاشتم

۵- دیده بخت مقبلان نشود / جز بدان خاک آستان روشن

۱۷- لف و نشر (انسانی)

عبارت لف و نشر در اصطلاح ادبی معناست که ابتدا چند چیز در کلام بیاورند و پس از آن چند موهم دیگر از قبیل صفات یا افعال بیاورند که به نوعی به کلماتی که اول گفته اند مربوط باشد. به این ترتیب آرایه لف و نشر پدید می آید.

به کلماتی که در اول آورده اند لف و به کلمات بخش دوم که مرتبط با بخش اول است نشر می گویند.

به مثال زیر توجه کنید:

با آن که جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

شاعر می گوید : جیب از مال و جام از می تهی است

نکته ۱: آرایه لف و نشر در شعر به سه صورت ظاهر می شود:

۱- یک مصرع ۲- یک بیت ۳- دو بیت

نکته ۲: معمولاً با لین آرایه، آرایه های مراعات نظیر، تشبیه و تضاد نیز می آیند.

نکته ۳ (انسانی): لف و نشر دو گونه است : ۱- مرتب: نشرها به ترتیب توزیع لف هاست ۱ ۲ مرتب ۱ مرتب ۲

۲- مشوش: نشرها به ترتیب توزیع لف ها نیست ۱ ۲ مرتب ۲ مرتب ۱

در تمرین های زیر لف و نشرها را بیابید و لف ها و نشرها را مشخص کنید :

۱- به روی بخت ز دیده ، ز چهره عمر به گردون / گهی چو اشک نشستم ، گهی چو رنگ پریدم

۲- تا رفتنش ببینم و گفتنش بشنوم / از پای تا به سر همه سمع و بصر شدم

۳- چو فرزند و زن باشدم خون و مغز / که را بیش بیرون شود کار نغز

۴- گویی حنجره اش دو تنبوشه داشت ، یکی برای بلعیدن لقمه و دیگری برای بیرون دادن حرف های قلمبه

۵- گردنبند و دست بند و گوشواره و خلخال از گردن و دست و پای زنان به در می کرده است

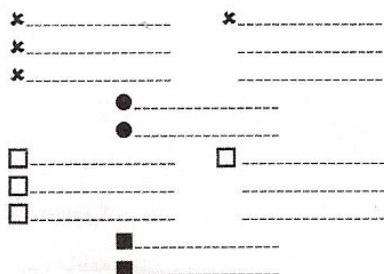
۶- صرف شد عمر گرانیام به معشوقه و می / تا ز آنم چه به پیش آید و از اینم چه شود

۷- این عیار مهر و کین مرد و نامرد است.

«قالب‌های شعری سنتی و نو»

شکل هندسی قالب‌های شعری کلاسیک (سنتی):

ترکیب بند:



مستط:



چهارپاره:



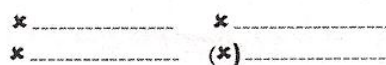
مستزاد:



قصیده و غزل:



رباعی و دوبیتی:



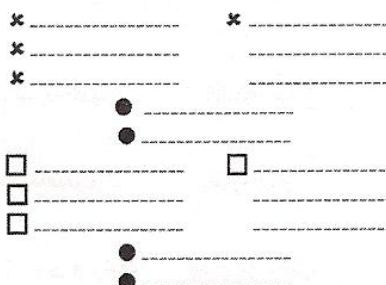
مثنوی:



قطعه:



ترجیع بند:



تساوی مصراع‌ها نظم قافیه‌ها

آهنگ

وزن

الف - شعر نو:

☒ ☒

✓

✓

الف - نیمایی (آزاد):

☒ ☒

✓

☒

ب - شعر سپید:

☒ ☒

☒

☒

ج - موج نو:

※ تفاوت «موج نو» با نشر < تخیل شعری